

اخبار

دی کاریو در تظاهرات علیه ترامپ

بازیگر مشهور آمریکایی با رهبران سرخپوستان آمریکا دیدار و با آنها در راهپیمایی تغییرات آب و هوایی که شنبه گذشته در واشنگتن دی‌سی برگزار شد شرکت کرد. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از سی‌ان‌ان، در فیلمی وی‌دئویی که از راهپیمایی سرخپوستان در شبکه سی‌ان‌ان پخش شد دی کاریو نیز نشان داده شد. او در حالی که عینک زده بود پلاکاردی در دست داشت که روی آن نوشته شده بود: تغییرات آب‌وهوایی واقعی است. این راهپیمایی در صدمین روز حضور ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا و در اعتراض به وی برگزار شد. پایتخت آمریکا شنبه ۹ اردیبهشت صحنه تظاهرات هزاران نفری علیه سیاست‌های دونالد ترامپ درباره تغییرات آب و هوا بود. به گزارش خبرگزاری رویترز، این تظاهرات در حالی برگزار شد که دمای هوای واشنگتن ۳۳ درجه سانتیگراد بود که رکوردی در نوع خود در این وقت از سال محسوب می‌شود. دونالد ترامپ در کارزار انتخاباتی خود مساله تغییرات آب‌وهوا را دروغ خوانده بود.

■ ■ ■

رئیس سازمان سینمایی مطرح کرد

تغییرات در مدرسه ملی سینما

محمدمهدی حیدریان، رئیس سازمان سینمایی اعلام کرد فعالیت‌های مدرسه ملی سینما نسبت به گذشته تغییراتی خواهد داشت. محمدمهدی حیدریان، رئیس سازمان سینمایی درباره برنامه‌هایش برای مدرسه ملی سینما گفت: مدرسه ملی سینما جزو نخستین مکان‌هایی بود که من به آنجا سر زدم و اتفاق نخستین جایی بود که برنامه آتی آن مشخص شد. وی افزود: در بازدیدی که داشتم به دلیل اهمیت سیاست‌های‌مان برنامه این مکان و سهم مدرسه ملی سینما مشخص شد. ما به همین منظور یک کمیته تخصصی برای این امر اختصاص دادیم و این کمیته جلسات متعددی برگزار کرد، در این جلسات مدیرعامل خانه سینما، مشاور ارشد من، اعضای اصلی مدرسه و استادان مدرسه و… حضور داشتند. آنها در جلسات مختلف به جمع‌بندی رسیدند که در همین هفته نتیجه این جلسات را به ما ابلاغ می‌کنند و برنامه آتی مدرسه چگونه خواهد بود. رئیس سازمان سینمایی عنوان کرد: این مدرسه تغییراتی نسبت به فعالیت‌های گذشته خود خواهد داشت اما به کار خود با یک سمت و سوی مرتبط با سازمان سینمایی ادامه می‌دهد، به طور کلی از نظر ما در سازمان سینمایی بخش مستقل غیرمرتبط چیز اضافی است.

■ ■ ■

یک افتخار بین‌المللی دیگر برای «تنهامیان طالبان»



«تنها میان طالبان» برنده دیپلم افتخار جشنواره فیلم‌های پلیسی مسکو شد. مستند «تنها میان طالبان» در هجدهمین دوره جشنواره «DETECTIVE Film Fest» برگزار شد که در مسکو برگزار شد، در بخش «تئوریسم ت‌هدیدنی برای صلح» دیپلم افتخار جشنواره را کسب کرد. مستند «تنها میان طالبان» ساخته محسن اسلام‌زاده در اولین حضور بین‌المللی خود نیز، برنده جایزه بهترین مستند بلند جشنواره آن آمریکا شد. در این بخش مستند «ویروسی برای فروش» از کشور روسیه موفق به دریافت تندیس بهترین فیلم شد. به گزارش تسنیم، «تنها میان طالبان» از تولیدات مرکز فرهنگی میثاق است و علیرضا شاهرخی عرضه بین‌المللی آن را برعهده دارد.

■ ■ ■

آخرین وضعیت اکران «دریاچه ماهی»

سعید سعدی از وضعیت اکران فیلم‌های مریم دوستی و احمدرضا متمدنی گفت. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان،سعید سعدی، تهیه‌کننده سینما با اشاره به آخرین وضعیت اکران فیلم سینمایی «دریاچه ماهی» گفت: پروانه نمایش این فیلم صادر شده و به دنبال بستن قرارداد در زمان اکران مناسب هستیم که هنوز زمان دقیق قطعی نشده‌است. وی همچنین درباره اکران «راه رفتن روی سیم» اظهار داشت: این اثر در نوبت دریافت پروانه نمایش قرار دارد و منتظر جواب شورا هستیم. سعدی در پاسخ به این سوال که آیا اصلاحیه‌ای به «راه رفتن روی سیم» وارد شده، بیان کرد: هنوز فیلم دیده نشده که درباره اصلاحیه آن صحبتی شود. «دریاچه ماهی» یکی از تولیدات امسال سینمای ایران در ژانر دفاع‌مقدس محسوب می‌شود. «دریاچه ماهی» به قلم مصطفی رستگاری با مضمون دفاع‌مقدس روایتی دارد از شهدایی که هنوز بر کنال ماهی جا‌نمادند.

گفت‌وگوی «وطن امروز» با نصرت‌الله محمودزاده نویسنده کتاب «محمد، مسیح کردستان»

برای پاسخ به تاریخ می‌نویسم

محسن شه‌میرزادی: نصرت‌الله محمودزاده از جمله نویسندگان مطرح دفاع‌مقدس است که آثار پرمخاطب او هرساله مجبور به تجدید چاپ هستند. به گزارش «وطن امروز»، وی بعد از جنگ در حالی که کارشناسی ارشد در جامعه‌شناسی را دنبال می‌کرد، به ادبیات داستانی دفاع‌مقدس روی آورد. قصه‌های او برخلاف آثار مشابه در ادبیات داستانی از پیشینه تحقیقاتی بسیار عمیقی برخوردارند. او برای پژوهش پیرامون هر شخصیت ده‌ها سال زمان گذاشته و نتیجه پژوهش‌های خود را در قالب داستانی منتشر می‌کند. محمودزاده علاوه بر حرفه نویسندگی، مدیری موفق در صنعت فرش و مدیریت منابع انسانی است که به گفته خودش این شغل موجب شده تا بتواند به صورت مستقل نویسندگی و پژوهش را دنبال کند. او در نمایشگاه کتاب امسال «محمد، مسیح کردستان» را در بازار نشر دارد، کتابی که تحقیق و نگارش آن ده‌ها سال به طول انجامیده است. به همین بهانه با او به گفت‌وگو نشستیم و وی از زوایای پنهان دنیای نویسندگی‌اش برای‌مان گفت.

■ از چه زمانی وارد عرصه نویسندگی دفاع‌مقدس شدید؟
در روزهای اول جنگ به عنوان یک داوطلب به خوزستان رفتم و سر از سوسنگرد درآوردیم، حدود ۴ ماه در محور هویزه و سوسنگرد به عنوان یک رزمنده فعالیت داشتم تا اینکه عملیات نصر یا همان هویزه آغاز شد و من به همراه حسین علم‌الهدی به این عملیات پیوستم. این عملیات خاصی بود که ۲ روز طول کشید و بچه‌های سپاه و رزمنده در محاصره قرار گرفتند؛ از آن محاصره فقط ۶ نفر زنده بیرون آمدند که یکی از آنها بنده بودم. در آن عملیات از ناحیه دست چپ بشدت مجروح شدم. زمانی که در بیمارستان بستری بودم افرادی که برای عبادتم می‌آمدند سوال‌های زیادی راجع به حوادثی که اتفاق افتاده بود می‌پرسیدند به طوری که بنده از پاسخ به این سوالات خسته شده بودم و برای اینکه هر بار مجبور به توضیح وقایع نشوم شروع به نوشتن خاطرات آن عملیات کردم. بعد از آن خیلی‌ها گفتند این خاطرات قابلیت تبدیل شدن به کتاب را دارد، این کتاب در سال ۶۲ بنا بود توسط تبلیغات سپاه چاپ شود ولی قبل از چاپ به دست مقام معظم رهبری که در آن دوران رئیس‌جمهور بودند، رسید. ایشان قسمه‌ای بسیار زیبا بر کتاب نگاشتند و به ما پیغام دادند که با فلاتی بگویید دیگر به بخش مهندسی نرو، بلکه بروبنویس.

■ بعد از پیشنهاد مقام معظم رهبری نویسندگی حرفه‌ای را آغاز کردید؟
بله! از آن پس دیگر به صورت حرفه‌ای شروع به نوشتن کردم و کتاب‌های «شب‌های قدر کربلای۴»، «مرثیه حلیجه»، «یام کردستان» را نوشتم و مطالب زیادی را در روزنامه‌های مختلفی مثل اطلاعات منتشر کردم که تحت عنوان «حماسه‌نگار» چاپ می‌شد. من در جنگ سعی می‌کردم در عملیات‌ها حضور داشته باشم و مشاهدات خود را به صورت واقع‌نگاری بنویسم، مثلاً در عملیات کربلای ۵ به طور مستقیم با بچه‌های هر گردان وارد عملیات می‌شدم و صبح همه مشاهداتم را می‌نوشتم که همه آنها در کتاب «شب‌های قدر کربلای۵» چاپ شد.
■ بعد از جنگ چگونه دیگر عملیاتی نبود تا واقع‌نگاری کنید.
من بعد از جنگ یک طرح‌ریزی برای خودم داشتم و دنبال این بودم که اگر تاریخ پیرسد چگونه این جنگ منجر به پیروزی امام شد، در حالی که امام در یک طرف و عراق با شیوه روسی و ابزارهای غربی و آمریکایی در طرف دیگر بودند؟ پاسخی به آن بدهم. این اتفاق با عقل ظاهری جور در نمی‌آید و این سوال درستی است که تاریخ خواهد پرسید. من به دنبال پاسخی برای سوال تاریخ بودم. جواب من اینگونه است که امام آدم‌هایی در جنگ داشت که به اعتبار آنها توانست این حماسه را رقم بزند. امام در واقع به آدم‌های اصالت داده بود که هیچ چیزی نمی‌توانست اعتقادشان را تغییر دهد. من برای این کار چند شخصیت متفاوت در جنگ را انتخاب کردم، هر کدام از فرماندهان جنگ ویژگی مخصوص خودشان را داشتند. به طور مثال حسین خرازی بسیار به احمد کاظمی شباهت دارد ولی به حسن باقری نزدیک نیست. حسن باقری مغز متفکر جنگ است در حالی که حسین خرازی را می‌توان پدر مدیریت بحران در عملیات خواند و محمد بروجرودی تسخیرکننده قلوب مردم است. یافتن شخصیت‌های تاثیر گذار دفاع‌مقدس و تبیین آنها پاسخ من به تاریخ است. اینها با همه تفاوت‌شان در یک وجه مشترک‌اند و آن اطاعت از رهبر و مقوله ولایت‌شناسی و ولایت‌مداری است. در دل

تبیین این آدم‌ها، وقایعی از جنگ را می‌آورم که تبدیل به خردادهای اصلی ایران و عراق می‌شود. اینها به مطالعات عمیق و بسیار دقیقی احتیاج دارد است. به همین بهانه با او به گفت‌وگو نشستیم و وی از زوایای پنهان دنیای نویسندگی‌اش برای‌مان گفت.

■ از چه زمانی وارد عرصه نویسندگی دفاع‌مقدس شدید؟
در روزهای اول جنگ به عنوان یک داوطلب به خوزستان رفتم و سر از سوسنگرد درآوردیم، حدود ۴ ماه در محور هویزه و سوسنگرد به عنوان یک رزمنده فعالیت داشتم تا اینکه عملیات نصر یا همان هویزه آغاز شد و من به همراه حسین علم‌الهدی به این عملیات پیوستم. این عملیات خاصی بود که ۲ روز طول کشید و بچه‌های سپاه و رزمنده در محاصره قرار گرفتند؛ از آن محاصره فقط ۶ نفر زنده بیرون آمدند که یکی از آنها بنده بودم. در آن عملیات از ناحیه دست چپ بشدت مجروح شدم. زمانی که در بیمارستان بستری بودم افرادی که برای عبادتم می‌آمدند سوال‌های زیادی راجع به حوادثی که اتفاق افتاده بود می‌پرسیدند به طوری که بنده از پاسخ به این سوالات خسته شده بودم و برای اینکه هر بار مجبور به توضیح وقایع نشوم شروع به نوشتن خاطرات آن عملیات کردم. بعد از آن خیلی‌ها گفتند این خاطرات قابلیت تبدیل شدن به کتاب را دارد، این کتاب در سال ۶۲ بنا بود توسط تبلیغات سپاه چاپ شود ولی قبل از چاپ به دست مقام معظم رهبری که در آن دوران رئیس‌جمهور بودند، رسید. ایشان قسمه‌ای بسیار زیبا بر کتاب نگاشتند و به ما پیغام دادند که با فلاتی بگویید دیگر به بخش مهندسی نرو، بلکه بروبنویس.

■ بعد از پیشنهاد مقام معظم رهبری نویسندگی حرفه‌ای را آغاز کردید؟
بله! از آن پس دیگر به صورت حرفه‌ای شروع به نوشتن کردم و کتاب‌های «شب‌های قدر کربلای۴»، «مرثیه حلیجه»، «یام کردستان» را نوشتم و مطالب زیادی را در روزنامه‌های مختلفی مثل اطلاعات منتشر کردم که تحت عنوان «حماسه‌نگار» چاپ می‌شد. من در جنگ سعی می‌کردم در عملیات‌ها حضور داشته باشم و مشاهدات خود را به صورت واقع‌نگاری بنویسم، مثلاً در عملیات کربلای ۵ به طور مستقیم با بچه‌های هر گردان وارد عملیات می‌شدم و صبح همه مشاهداتم را می‌نوشتم که همه آنها در کتاب «شب‌های قدر کربلای۵» چاپ شد.
■ بعد از جنگ چگونه دیگر عملیاتی نبود تا واقع‌نگاری کنید.
من بعد از جنگ یک طرح‌ریزی برای خودم داشتم و دنبال این بودم که اگر تاریخ پیرسد چگونه این جنگ منجر به پیروزی امام شد، در حالی که امام در یک طرف و عراق با شیوه روسی و ابزارهای غربی و آمریکایی در طرف دیگر بودند؟ پاسخی به آن بدهم. این اتفاق با عقل ظاهری جور در نمی‌آید و این سوال درستی است که تاریخ خواهد پرسید. من به دنبال پاسخی برای سوال تاریخ بودم. جواب من اینگونه است که امام آدم‌هایی در جنگ داشت که به اعتبار آنها توانست این حماسه را رقم بزند. امام در واقع به آدم‌های اصالت داده بود که هیچ چیزی نمی‌توانست اعتقادشان را تغییر دهد. من برای این کار چند شخصیت متفاوت در جنگ را انتخاب کردم، هر کدام از فرماندهان جنگ ویژگی مخصوص خودشان را داشتند. به طور مثال حسین خرازی بسیار به احمد کاظمی شباهت دارد ولی به حسن باقری نزدیک نیست. حسن باقری مغز متفکر جنگ است در حالی که حسین خرازی را می‌توان پدر مدیریت بحران در عملیات خواند و محمد بروجرودی تسخیرکننده قلوب مردم است. یافتن شخصیت‌های تاثیر گذار دفاع‌مقدس و تبیین آنها پاسخ من به تاریخ است. اینها با همه تفاوت‌شان در یک وجه مشترک‌اند و آن اطاعت از رهبر و مقوله ولایت‌شناسی و ولایت‌مداری است. در دل

بله! از آن پس دیگر به صورت حرفه‌ای شروع به نوشتن کردم و کتاب‌های «شب‌های قدر کربلای۴»، «مرثیه حلیجه»، «یام کردستان» را نوشتم و مطالب زیادی را در روزنامه‌های مختلفی مثل اطلاعات منتشر کردم که تحت عنوان «حماسه‌نگار» چاپ می‌شد. من در جنگ سعی می‌کردم در عملیات‌ها حضور داشته باشم و مشاهدات خود را به صورت واقع‌نگاری بنویسم، مثلاً در عملیات کربلای ۵ به طور مستقیم با بچه‌های هر گردان وارد عملیات می‌شدم و صبح همه مشاهداتم را می‌نوشتم که همه آنها در کتاب «شب‌های قدر کربلای۵» چاپ شد.

■ بعد از جنگ چگونه دیگر عملیاتی نبود تا واقع‌نگاری کنید.
من بعد از جنگ یک طرح‌ریزی برای خودم داشتم و دنبال این بودم که اگر تاریخ پیرسد چگونه این جنگ منجر به پیروزی امام شد، در حالی که امام در یک طرف و عراق با شیوه روسی و ابزارهای غربی و آمریکایی در طرف دیگر بودند؟ پاسخی به آن بدهم. این اتفاق با عقل ظاهری جور در نمی‌آید و این سوال درستی است که تاریخ خواهد پرسید. من به دنبال پاسخی برای سوال تاریخ بودم. جواب من اینگونه است که امام آدم‌هایی در جنگ داشت که به اعتبار آنها توانست این حماسه را رقم بزند.

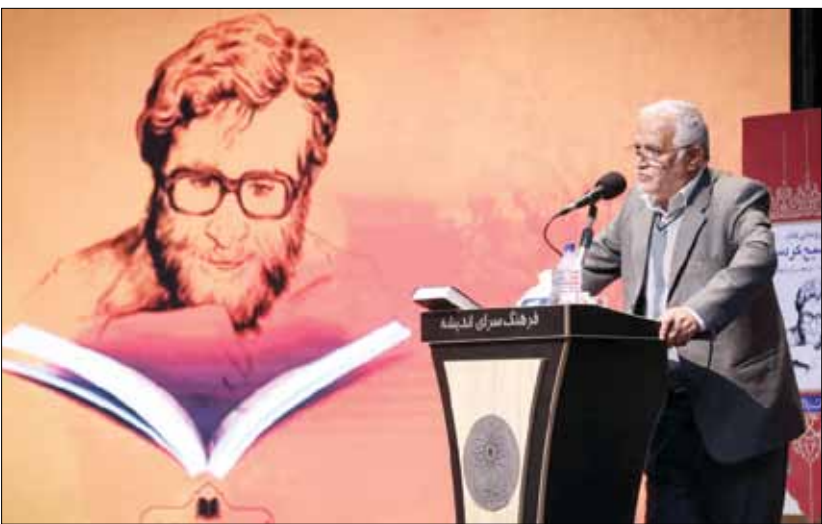
■ بعد از جنگ چگونه دیگر عملیاتی نبود تا واقع‌نگاری کنید.
من بعد از جنگ یک طرح‌ریزی برای خودم داشتم و دنبال این بودم که اگر تاریخ پیرسد چگونه این جنگ منجر به پیروزی امام شد، در حالی که امام در یک طرف و عراق با شیوه روسی و ابزارهای غربی و آمریکایی در طرف دیگر بودند؟ پاسخی به آن بدهم. این اتفاق با عقل ظاهری جور در نمی‌آید و این سوال درستی است که تاریخ خواهد پرسید. من به دنبال پاسخی برای سوال تاریخ بودم. جواب من اینگونه است که امام آدم‌هایی در جنگ داشت که به اعتبار آنها توانست این حماسه را رقم بزند. امام در واقع به آدم‌های اصالت داده بود که هیچ چیزی نمی‌توانست اعتقادشان را تغییر دهد. من برای این کار چند شخصیت متفاوت در جنگ را انتخاب کردم، هر کدام از فرماندهان جنگ ویژگی مخصوص خودشان را داشتند. به طور مثال حسین خرازی بسیار به احمد کاظمی شباهت دارد ولی به حسن باقری نزدیک نیست. حسن باقری مغز متفکر جنگ است در حالی که حسین خرازی را می‌توان پدر مدیریت بحران در عملیات خواند و محمد بروجرودی تسخیرکننده قلوب مردم است. یافتن شخصیت‌های تاثیر گذار دفاع‌مقدس و تبیین آنها پاسخ من به تاریخ است. اینها با همه تفاوت‌شان در یک وجه مشترک‌اند و آن اطاعت از رهبر و مقوله ولایت‌شناسی و ولایت‌مداری است. در دل

بله! از آن پس دیگر به صورت حرفه‌ای شروع به نوشتن کردم و کتاب‌های «شب‌های قدر کربلای۴»، «مرثیه حلیجه»، «یام کردستان» را نوشتم و مطالب زیادی را در روزنامه‌های مختلفی مثل اطلاعات منتشر کردم که تحت عنوان «حماسه‌نگار» چاپ می‌شد. من در جنگ سعی می‌کردم در عملیات‌ها حضور داشته باشم و مشاهدات خود را به صورت واقع‌نگاری بنویسم، مثلاً در عملیات کربلای ۵ به طور مستقیم با بچه‌های هر گردان وارد عملیات می‌شدم و صبح همه مشاهداتم را می‌نوشتم که همه آنها در کتاب «شب‌های قدر کربلای۵» چاپ شد.
■ بعد از جنگ چگونه دیگر عملیاتی نبود تا واقع‌نگاری کنید.
من بعد از جنگ یک طرح‌ریزی برای خودم داشتم و دنبال این بودم که اگر تاریخ پیرسد چگونه این جنگ منجر به پیروزی امام شد، در حالی که امام در یک طرف و عراق با شیوه روسی و ابزارهای غربی و آمریکایی در طرف دیگر بودند؟ پاسخی به آن بدهم. این اتفاق با عقل ظاهری جور در نمی‌آید و این سوال درستی است که تاریخ خواهد پرسید. من به دنبال پاسخی برای سوال تاریخ بودم. جواب من اینگونه است که امام آدم‌هایی در جنگ داشت که به اعتبار آنها توانست این حماسه را رقم بزند. امام در واقع به آدم‌های اصالت داده بود که هیچ چیزی نمی‌توانست اعتقادشان را تغییر دهد. من برای این کار چند شخصیت متفاوت در جنگ را انتخاب کردم، هر کدام از فرماندهان جنگ ویژگی مخصوص خودشان را داشتند. به طور مثال حسین خرازی بسیار به احمد کاظمی شباهت دارد ولی به حسن باقری نزدیک نیست. حسن باقری مغز متفکر جنگ است در حالی که حسین خرازی را می‌توان پدر مدیریت بحران در عملیات خواند و محمد بروجرودی تسخیرکننده قلوب مردم است. یافتن شخصیت‌های تاثیر گذار دفاع‌مقدس و تبیین آنها پاسخ من به تاریخ است. اینها با همه تفاوت‌شان در یک وجه مشترک‌اند و آن اطاعت از رهبر و مقوله ولایت‌شناسی و ولایت‌مداری است. در دل

فرهنگ و هنر

گفت‌وگوی «وطن امروز» با نصرت‌الله محمودزاده نویسنده کتاب «محمد، مسیح کردستان»

برای پاسخ به تاریخ می‌نویسم



داشته باش آثار مبنای بسیاری از فیلم‌سازهای بزرگ خواهد شد. چون آنها در آینده بشدت دچار فقر سوزه خواهند شد که در آن صورت یا دست از سینمای دفاع‌مقدس می‌کشند یا به فیلم‌های سطحی روی خواهند آورد. متوجه شدم آوینی استراتژی خیلی خوبی را تعریف کرده است، استدلالش را پذیرفتم و دیگر به دنبال فیلمسازی نفرتم.

■ برویم سراغ کتاب جدیدتان، چرا شهید بروجرودی و چرا «مسیح» کردستان؟
وقتی در زندگی شهید بروجرودی تحقیق می‌کردم متوجه شدم زندگی قبل از انقلاب او کم از بعد انقلاب نیست. من سال ۷۶ جلد اول کتاب بروجرودی را نوشتم. در جلد دوم که ایشان وارد کردستان می‌شوند، یک تحول عظیمی پیدا می‌کنند و استراتژی و دیدگاه‌های ایشان چندلایه می‌شود. راهبردهای او هم سیاسی هستند، هم اجتماعی و هم نظامی و امنیتی، رفتار او نظریه‌ای امنیتی در ارتباط با مردم را خلق می‌کند. باید روی آنها بسیار کار می‌کردم و این ویژگی‌ها چیزی نبود که در روایت‌های رسمی از او بتوان دریافت. بابت همین باید صبر می‌کردم و مصاحبه‌های فراوان و طولانی با شخصیت‌های برجسته کشوری انجام می‌دادم. همه اینها انجام شد و او پیاده‌سازی و تحلیل آنها متوجه شدم این شهید حکومت بر قلب‌ها را در دستور کار فرماندهی‌اش قرار داده است. این روند ادامه پیدا کرد و او «مسیح» کردستان شد. الان بسیاری از مردم کردستان می‌گویند بعد از ۲ قرن یک مرد به کردستان آمد اما نامردی نکرد. این مرد هنوز در قلب کردستانی‌ها مانده است و یک نظامی بسیار خلاق تبدیل به یک اندیشمند فلسفی می‌شود که بر قلب‌ها حکومت می‌کند. این موفقیتی بود که اگر مسؤولان نظام به آن توجه داشته باشند می‌توانند از این تئوری استفاده بسیاری کنند.
■ چرا بین انتشار جلد یک و دو، ۲۰ سال فاصله افتاد؟
من جلد اول را نوشتم تا پنهانی داشته باشم که او را وسیع و عمیق ببینم. چون جلد اول ۷۰ هزار فروش داشته بود و همه تشنه آن بودند که ببینند ادامه قصه بروجرودی چه می‌شود، برای همین خیلی‌ها می‌پرسیدند که جلد دوم چه شد؟ ولی من روش خاص خودم را داشتم و بدون عجله کاملاً درباره ابعاد شخصیتی او پژوهش کردم. الان جلد ۱ و ۲ همزمان در «محمد، مسیح کردستان» منتشر شده است. البته باید گفت کاربرد واژه‌های «محمد» و «مسیح» در عنوان کتاب دارای لایه‌های متفاوتی از معانی هستند. در همین ۲ ماه هم این کتاب ۳ بار تجدید چاپ شد و به شکر خدا استقبال بسیار خوبی از آن شده است.
■ عمده آثار مکتوب در زمینه دفاع‌مقدس، مربوط به خاطرنگاری و ضبط مستندات است. در حالی که شما قصه‌نویسی و درام‌پردازی را وارد این ادبیات کردید. به نظر شما چرا هنوز ادبیات داستانی دفاع‌مقدس رشد چندانی نکرده‌است؟

البته ما اسم این ژانر را زندگینامه داستانی گذاشتیم، یک کتابی در همین زمینه هم منتشر شده که فرق زندگینامه داستانی با رمان و مرز آنها را مشخص می‌کند اما چرا من این روش را انتخاب کردم؟ چون مخاطب محمودزاده در دنیای امروز و آینده «جوانان»ی هستند که از تاریخ سوال دارند. جوانان هم نمی‌تواند خیلی با مستندات و خاطرنگاری‌های دفاع‌مقدس ارتباط برقرار کنند و جذابیتی برای آنها ندارند. به طور مثال تصور کنید من ۱۵ هزار صفحه نوار پیاده شده دارم که آن را تبدیل به یک رمان می‌کنم، خواندن ۱۵ هزار



■ ■ ■
سوزه من منطقه‌ای بین مرز اسرائیل و لبنان بود که درواقع اسرائیلی‌ها در آنجا حضور داشتند. مسؤولان حزب‌الله گفتند رفتن به آنجا بسیار سخت و ناممکن است و از ما اصرار و از آنها انکار. اما پاسپورتم را رادم به سفارت و گفتم با اجازه شما ۲۰ روز بی‌هوش می‌شویم و بعد آن‌شاءالله بازمی‌گردیم
■ ■ ■

خاطرنگاری و ضبط مستندات است. در حالی که شما قصه‌نویسی و درام‌پردازی را وارد این ادبیات کردید. به نظر شما چرا هنوز ادبیات داستانی دفاع‌مقدس رشد چندانی نکرده‌است؟
البته ما اسم این ژانر را زندگینامه داستانی گذاشتیم، یک کتابی در همین زمینه هم منتشر شده که فرق زندگینامه داستانی با رمان و مرز آنها را مشخص می‌کند اما چرا من این روش را انتخاب کردم؟ چون مخاطب محمودزاده در دنیای امروز و آینده «جوانان»ی هستند که از تاریخ سوال دارند. جوانان هم نمی‌تواند خیلی با مستندات و خاطرنگاری‌های دفاع‌مقدس ارتباط برقرار کنند و جذابیتی برای آنها ندارند. به طور مثال تصور کنید من ۱۵ هزار صفحه نوار پیاده شده دارم که آن را تبدیل به یک رمان می‌کنم، خواندن ۱۵ هزار

رویدادها

تئاتر هنری متعهداست



کورش زارعی گفت: شأن تئاتر دینی معمولاً با ایرادات و اتهام واردهای همچون سفارشی بودن تولید این نمایش‌ها تنزل پیدا می‌کند. به گزارش پایگاه خبری حوزه هنری؛ کورش زارعی، مدیر مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری گفت: ماهیت و ذات تئاتر، هنری متعهد است که در قبال همه پدیده‌ها، اتفاقات و رویدادهای رخ داده در مناسبات بشری اقدام به واکنش کرده و آن را برای تنویر افکار عمومی بیان می‌کند. وی ادامه داد: با این استدلال بسیاری از اقشار مردم، تئاتر و فعالان آن را افرادی آزاداندیش و در عین حال متعهد می‌دانند که صرف‌نظر از اینکه خود را در بیان مسائلی که جامعه انسانی بدان مبتلاست متعهد و مسؤول تصور می‌کنند اما با نگرشی انسانی و آزادمنشانه به طرح مسائل گوناگون پرداخته و گرایش به هیچ جریان و تفکر خاصی ندارند. زارعی با اشاره به اینکه چنین تصویری قابل احترام و اصولی است، تصریح کرد: با این وجود نباید از این موضوع نیز غافل شومیم که امروز هنر به عنوان یک وسیله و بازار بیانی در خدمت انسان است و تئاتر به عنوان خالص‌ترین وی‌بی‌پرایه‌ترین هنرهای انسانی از دیرباز، نقش روشننگری و آگاهی‌بخشی به مخاطب خود را داشته است لذا در صورت بیان درست در چارچوب اصولی و هدفمند می‌تواند مروج هدف و مشرب فکری خاصی باشد.

■ ■ ■

«بی‌چشم‌داشت» در نمایشگاه کتاب

مجموعه شعر «بی‌چشم‌داشت» سروده موسی عصمتی با خط بریل برای مطالعه روشندان در سی‌امین دوره نمایشگاه کتاب تهران عرضه خواهد شد. به گزارش تسنیم، مجموعه شعر «بی‌چشم‌داشت»، اثر موسی عصمتی، شاعر روشندل به خط بریل برای مخاطبان روشندل در سی‌امین دوره نمایشگاه کتاب تهران عرضه خواهد شد. این اثر که پیش از این به کوشش انتشارات شهرستان ادب به چاپ رسیده بود، از سوی فرهنگستان خوارن در این قالب منتشر شده است. «بی‌چشم‌داشت» اولین تجربه عصمتی است که در قالب کتاب منتشر شده است. کتاب از ۲ بخش کلاسیک و سپید تشکیل شده و محد کاظم کاظمی نیز بر آن مقدمه نوشته است. در بخش نخست که سروده‌های کلاسیک شاعر ارائه شده، اشعاری با مضامین اجتماعی، تغزلی و… دیده می‌شود. شاعر در بخش شعر سپید نیز تجربه‌های شخصی‌اش از دوره نابینایی را بیان کرده است.

■ ■ ■

شجاعی طباطبایی:

«داد» تلنگری به مسؤولان است

سیدمسعود شجاعی طباطبایی، مدیر خانه کاریکاتور انقلاب و سایت ایران کارتون که چندی پیش به‌عنوان چهاره‌سال جبهه‌فرهنگی انقلاب اسلامی انتخاب شد، در گفت‌وگویی پیرامون مستند «داد» که به برخورد‌های نادرست با اعتراضات صنفی می‌پردازد و در اکران‌های خود با برخی حواشی نیز همراه بوده است، گفت: مستند «داد» به لحاظ ساختار و فرم روایی کار بسیار خوبی بود و برنامه‌ریزی است روی ساخت آن بخوبی فکر و برنامه‌ریزی صورت گرفته است؛ شکل کلی مستند به صورتی بود که مخاطب را از ابتدا تا انتها با فراز و فرودهای مستند همراه کرد. این کاریکاتوریست افزود: کارگردان قواعد کار را به خوبی رعایت کرده و با الفبای کار سینما و مستند کاملاً آشناست؛ بر این اساس پیش‌بینی می‌کنم سازندگان چنین مستندهایی آینده خوبی در سینمای ایران داشته باشند. شجاعی طباطبایی این مستند را حاوی ۳ روایت مختلف دانست و خاطرنشان کرد: در مستند «داد» ما شاهد روایت ۳ ماجرا هستیم، ماجرای نخست مربوط به سیستم حمل و نقل کشور بود، بحث دوم مرتبط با پرسنالتان و سومین و آخرین بحث نیز شلاق خوردن کارگران معدن طلا در آق دره بود. وی اضافه کرد: هر کدام از این ۳ موضوع خود به تنهایی این قابلیت را دارد تا سوزه ساخت مستند بسیار خوبی شوند و مخاطب نیز از لحاظ داستانی خط مشخصی را دنبال می‌کرد و به نتیجه می‌رسید، زیرا این امکان وجود دارد مخاطبان با مشاهده این مستند و در برخورد با ۳ موضوعی که در آن بیان می‌شود در ارتباط دادن آنها با یکدیگر مقداری با مشکل روبه‌رو شوند. این کاریکاتوریست تصریح کرد: مخاطبان اصلی مستند «داد» در درجه نخست مردم جامعه هستند اما در میان مسؤولان، آنهايي که باید پاسخگویی اینگونه مسائل باشند، لازم است این مستند را به دقت تماشا کنند و راحل مناسبی را برای رفع این مشکلات ارائه دهند؛ نکته مهم اینکه با دیدن مستند «داد» باید تلنگری به مسؤولان زده شود تا مراقب مجموعه زیردست خود باشند.